وفاى به عهد

رضا بهارى, شماره اشتراك 1451, از ملاير

عهد در لغت, به معناى نگه دارى و مراعات پى در پى شىء, شناختن امرى, حفظ كردن, پيمان بستن, ميثاق, سوگند و نيز به معناى زمان و روزگار1 آمده است. پيمان نيز به معناى شرط, عهد, قرارداد و قول و قرارى است كه كسى با كس ديگر بگذارد كه بر طبق آن عمل كند.2

(وفاى به عهد, به معناى به جا آوردن عهد و پيمان, نگه دارى عهد و پيمان و همچنين به معناى پايدارى در دوستى نيز مى باشد.

اهميت وفاى به عهد از ديدگاه عقل و نقل

احترام به پيمان و لزوم عمل به آن, ريشه فطرى دارد و هر انسانى آن را در نخستين مدرسه تربيت, يعنى فطرت و سرشت انسانى مى آموزد و از آن الهام مى گيرد. كودكان در آغاز زندگى با سرشت پاك خود, عمل به پيمان را لازم مى دانند و پيمان شكنى را نكوهش مى كنند و از پيمان هاى پوچ و توخالى برخى پدران و مادران ناراحت مى شوند. اين احساس مادامى كه دستى از عالم خارج آنان را از راه راست فطرت منحرف نكند و يا از راه چشم و گوش, خلاف مقتضاى فطرت وارد فضاى فكر آنان نشود, در نهاد كودكان باقى مى ماند. به دليل فطرى بودن اين اصل در جامعه اسلامى, نقض عهد و پيمان از رذايل بزرگ اخلاقى شمرده مى شود. مى توان گفت مهم ترين سرمايه يك جامعه, اعتماد متقابل افراد به يكديگر است. اصولاً آنچه جامعه را از صورت آحادِ پراكنده بيرون مى آورد و همچون رشته هاى زنجير به هم پيوند مى دهد, همين اصل اعتماد متقابل است كه پشتوانه فعاليت هاى هماهنگ اجتماعى و همكارى در سطح وسيع مى باشد.

اگر عهد و پيمان ها در هر جامعه اى رعايت شود, امنيت و ثبات آن را تضمين مى كند و بسيارى از احتياط كارى ها را كه مردم براى پيش گيرى از پيمان شكنى به عمل مى آورند, زايل مى كند.

تفاوت مهم اجتماع اسلامى با ديگر جوامع اين است كه براى اجتماعات ديگر, جز حفظ منافع مادى زود گذر چيز ديگرى مطرح نيست و لذا تا لحظه اى كه عهد و پيمان به حال آنان مفيد باشد, با تمام قدرت در حفظ آن مى كوشند; اما وقتى به سود آنها نباشد, به بهانه هاى مختلف آن را ناديده مى گيرند. ولى جامعه اسلامى هدفى جز نشر معنويت و احياى اصول انسانى و گسترش محبت و دوستى ندارد و به همين دليل به طور مكرر و گسترده در آيات قرآن و در احاديث اسلامى بر اين مسئله تأكيد شده است.

پيامبر اكرم (ص) لزوم وفاى به عهد را در همه شرايط به مسلمانان تأكيد و توصيه مى كند. روايت زير اهميت اين مسئله را بيشتر مشخص مى كند: حذيفه از كسانى بود كه در جنگ بدر شركت نكرد و از آن فيض بزرگ محروم گرديد, خودش درباره اين محروميت مى گويد: من و رفيقم ابوالحسيل از مدينه خارج شديم تا به پيغمبر اسلام و سپاه مسلمين بپيونديم. اتفاقاً به جمعى از كفار قريش برخورديم. از ما پرسيدند: به سوى محمد مى رويد؟ از ترس آنها و براى نجات از شرشان گفتيم: نه, ما به مدينه مى رويم. آنها از ما قول گرفتند كه اگر آزادمان كنند, به يارى محمد(ص) نرويم و عليه آنها جنگ نكنيم. ما هم اين قول را داديم و آزاد شديم. از آن جا به حضور خاتم انبيا(ص) رسيديم و ماجرا را نقل كرديم و اجازه شركت در جنگ را خواستيم. پيامبر فرمود: نه, شما با آنها عهد و پيمان داريد و نبايد ناديده بگيريد. شما برويد و به عهد و پيمان خود وفا كنيد, ما هم از خدا يارى مى جوييم. )3

شواهد بسيارى در دست است كه پيغمبر اكرم(ص) به وفاى به عهد بسيار اهتمام داشت; از آن جمله در صلح حديبيه كه بين آن حضرت و مشركين مكه پيمانى بسته شد به اين مضمون كه اگر كسى از پيروان رسول خدا به سوى قريش آمد, او را بپذيرد و هر كس از قريش به سوى پيغمبر آمد, او را نپذيرد و رسول خدا همچنان بر پيمان خود استوار بود و كسى از افراد قريش را در آن هنگام نمى پذيرفت. (ابو رافع مى گويد: قريش مرا به نزد پيامبر(ص) مى فرستادند. هنگامى كه آن حضرت را ديدم در دلم نور اسلام تابيد. به آن حضرت عرض كردم: يا رسول الله! من ديگر به سوى قريش بر نمى گردم. فرمود: من بر خلاف عهد عمل نمى كنم و پيام آوران را نگه نمى دارم. تو به سوى آنان باز گرد و اگر ديدى باز اسلام را مى خواهى, از نو به سوى ما باز آى. )4

لفظ (عهد) با تمام مشتقات آن, 45 بار در قرآن آمده است. اين كتاب آسمانى به صورت هاى مختلف انسان ها را به رعايت عهد و پيمان دعوت مى كند. براى نمونه به سه آيه بسنده مى كنيم:

1 ـ (او كلّما عاهدوا عهداً نبذه فريق منهم بل اكثرهم لا يؤمنون. )5

چرا بعضى از مردمان روى مهد

شكستند هر گونه پيمان و عهد

نه تنها كه هستند پيمان شكن

كه هرگز نگردند مؤمن به من

2 ـ (بلى من اوفى بعهده و اتّقى فان ّ اللّه يحب المتّقين. )6

به عهدش هر آن كس كه سازد وفا

بترسد هم از خشم يكتا خدا

همانا خداوند خواهان اوست

كه با متقين است الله دوست

3 ـ (الّذين يوفون بعهد اللّه و لا ينقضون الميثاق. )7

همين عاقلانند اهل وفا

به عهدى كه بستند با كبريا

چو بستند پيمان دگر نشكنند

عمل بر فرامين پيمان كنند

اقسام عهد و پيمان

الف) عهد و پيمان با خدا: (اين عهد از بزرگ ترين عهدهاست. در آيات زيادى لفظ (عهد) به (الله) اضافه شده و به صورت (عهدالله) آمده است; از جمله در سوره رعد, آيه 20 ; آل عمران, آيه 77; يس, آيه 60.

عهد با خدا, پيوندى است بين خالق و مخلوق. پيمان است كه ريشه در ذات دارد و انسان را به يك منبع معنوى و بسيار آرامش دهنده وصل مى كند. اگر انسان به اين عهد مهم وفادار باشد, به ساير عهدها نيز وفادار خواهد بود.

ب) پيمان با خود: اين پيمان به طور مستقيم يا غير مستقيم يكى از مشتقات عهد و پيمانى است كه انسان با خدا مى بندد. انسان ها در طول زندگى بارها و بارها با خود حرف مى زنند. شايد اين حرف ها نوعى عهد با اراده انسان باشد. وقتى انسان عزم خود را جزم مى كند تا كار خوبى انجام دهد و يا بندگى خدا كند, در وجود خود عهد مى بندد و تلقين مى كند كه حسنات را انجام دهد و از سيئات دورى كند.

ج) عهد و پيمان با خلق: اين عهد نيز بسيار با اهميت است و كوتاهى از آن, ضايع كردن حقوق ديگران محسوب مى شود. عهد و پيمان با خلق, خود داراى اقسامى است:

1 ـ پيمان زناشويى: وفاى متقابل ميان زن و مرد كه اسلام دستورات زيادى در باره آن صادر كرده است, باعث استحكام نظام خانواده مى شود. وقتى خانواده مستحكم باشد, اجتماع نيز به سلامتى و بقاى خود ادامه مى دهد.

2 ـ وفاى به عهد در خانواده: وفاى به عهد در قبال اعضاى خانواده, بسيار مهم است. اگر پدر و مادر به عهد خود وفادار نباشند, به روحيه فرزندان لطمه وارد مى كنند و آنها را به دروغ گويى سوق مى دهند. پيشوايان اسلام در سخنان خود به تربيت صحيح كودكان و آموزش اخلاق و رفتار اجتماعى به آنان در خانواده اشاره كرده اند. . پيامبر اكرم (ص) مى فرمايد: (وقتى يكى از شما به فرزند كوچكى وعده داديد, حتماً به آن وفا كنيد). 8 امير مؤمنان على (ع)مى فرمايد: (شايسته نيست انسان به شوخى يا جدى دروغ بگويد و شايسته نيست كسى به فرزند خود وعده اى بدهد و به آن وفا نكند. )9

3 ـ وفاى به عهد در كارها: خوش قولى و خوش حسابى در كليه معاملات و روابط حقوقى و اقتصادى, موجب پيدايش ثبات و اطمينان و امنيت اقتصادى مى شود.

4 ـ وفاى به عهد يك ملت با ملت ديگر: اگر هر دو ملت مسلمان باشند, وفاى به عهد در ميان آن دو, سبب ثبات و برادرى و محبت مى شود. اگر بين يك ملت مسلمان و ملت غير مسلمان ديگر باشد, وفاى به آن, واجب و تا زمانى كه از اين پيمان ها زيان و اهانتى متوجه اسلام و مسلمين نباشد, نمى توان آن را ناديده گرفت. و همان طور كه گفته شد, اين نوع وفاى به عهد يكى از امور بسيار مهمى بود كه در صدر اسلام سبب شد گروه هاى بسيارى آيين بزرگ الهى را پذيرا شوند.

آثار وفاى به عهد در زندگى فردى

پاى بندى به تعهدات, در سالم سازى محيط و تحكيم روابط دوستانه و به وجود آمدن جوّ اعتماد و اطمينان بين دوستان بسيار تأثير دارد. از طرفى عهد شكنى و عدم التزام به تعهدات, بيشترين نقش را در ايجاد جوّ بدبينى و نفاق و پيدايش رخوت و سستى بين دوستان ايفا مى كند. حضرت على(ع)مى فرمايد: (لا تعتمد على مودّة من لا يوفّى بعهده;10 بر دوستى كسى كه به عهد خود وفا نمى كند, اعتماد مكن. )

شخصى كه خوش قول است, منظم نيز هست و احساس مسئوليت بيشترى مى كند و حتى براى عهد و پيمان هاى ناچيز ارزش قائل مى شود و نمى گذارد عدم انجام وظيفه, بر روى دوشش ايجاد سنگينى كند و او را از رحمت خدا دور سازد.

آثار وفاى به عهد در جامعه

(وفاى به عهد و پيمان, موجب تحكيم روابط سياسى و اجتماعى و اتحاد مسئولين و در نتيجه, سالم سازى فضاى سياسى و اجتماعى جامعه مى شود. پاى بندى به عهد و پيمان, در زندگى مردم و روابط داخلى و خارجى آنان تأثير بسيار دارد و هر اندازه مردم بيشتر آن را رعايت كنند, به يكديگر اعتماد بيشترى پيدا مى كنند و در نتيجه, بيشتر احساس آرامش كرده و با خيال راحت ترى به فعاليت مى پردازند.

طبيعى است در كشورى كه مردم وفاى به عهد را وظيفه انسانى, اخلاقى و دينى خود بدانند و در مراعات آن كوشا باشند, تعهدات مالى و قراردادهاى اقتصاى بر پايه اعتماد و اطمينان كامل شكل مى گيرد و باعث رشد اقتصادى آن كشور و مايه سعادت مردم آن مى گردد, زيرا بدهكار در وقت معيّن و مقرر بدهى خود را مى پردازد و فروشنده نيز كالا را برابر تعهدات خود تسليم خريدار مى كند و در نتيجه, چرخ اقتصاد به صورت منظم به حركت خود ادامه مى دهد. )11

زيان هاى پيمان شكنى

اگر روزى عمل نيك وفاى به عهد در انسان كم رنگ شود, ضربه شكننده اى بر شخصيت او وارد مى گردد. چنين فردى در هر عرصه و صحنه اى كه پا بگذارد, جز بى اعتمادى و بى توجهى چيز ديگرى باقى نخواهد گذاشت و در همه جا انگشت نما خواهد شد. علاوه بر اين, انسانى كه عهد و پيمانش را مى شكند, اعتماد را در اجتماع كاهش مى دهد و در نتيجه, زندگى را بر ديگران سخت و دشوار مى كند. همچنين فعاليت هاى انسانى دچار خلل مى گردد و امرار معاش, پيشرفت صنعت و… تحت تأثير قرار مى گيرد و جامعه دچار از هم گسيختگى و بى ثباتى مى شود. حضرت على(ع) به مالك اشتر مى فرمايد: (در آنچه به عهد گرفته اى, خيانت نكن و به عهد خود وفا كن). 12 در فرازى ديگر مى فرمايد: (از اين كه به آنها وعده دهى و سپس تخلف كنى, بر حذر باش… خلف وعده, موجب خشم خدا و خلق است. )13

شهيد مطهرى مى فرمايد: (فردى كه هيچ گاه پاى بند به وفاى به عهد و پيمان خود نيست و هر وقت كه پيمانى مى بندد دسيسه و دغل بازى است و تصميمش اين است كه آن را نقض كند, از انسانيت و آن چيز كه آن را اشرف انسانيّت مى نامند, سقوط كرده و ديگر انسان نيست. )14

طرد شدن از طرف ديگران و عدم صلاحيت براى پايدارى در روابط دوستى, از ديگر زيان هاى پيمان شكنى است. كسى كه پيمان شكن است, دوست خوبى نمى تواند باشد. آن كه امروز قولى مى دهد و فردا آن را زير پا مى گذارد, امروز تعهد مى كند با افراد بد رفت و آمد نكند و فردا خلاف آن را عمل مى كند و خلاصه به هيچ يك از پيمان هاى خود پاى بند نمى ماند, چگونه مى تواند دوستى صميمى و مورد اعتماد شناخته شود.

از ديگر زيان هاى پيمان شكنى, به اجابت نرسيدن دعاها مى باشد. شايد انسان خود را بسان ماشينى فرض كند كه سازنده يك مالك آن بايد همواره نيازهايش را برآورد و تصور كند چون آفريننده او خداوند است, پس بايد همواره او را كمك كند, بدون اين كه عهدى بر گردن وى باشد; در حالى كه چنين نيست, زيرا خداوند عهدهايى بر گردن بنده اش دارد كه بايد عملى شوند تا خداوند نيز پيمانش را وفا كند. امام صادق(ع) در پاسخ عده اى كه از علت عدم استجابت دعا پرسيده بودند, فرمود: (به دليل اين كه شما به عهدهاى خود در پيشگاه خداوند وفا نمى كنيد, در حالى كه خداى تعالى مى فرمايد: به عهد من وفا كنيد تا من به عهد شما وفا كنم. به خدا قسم, اگر به عهد خدا وفا كنيد. خداى متعال نيز به عهد شما وفا مى كند. )15

در حديثى از حضرت على(ع) آمده است كه فرمود: (در جهنم شهرى است به نام حصينه, آيا از من نمى پرسيد در آن شهر چيست؟ كسى عرض كرد: اى امير مؤمنان! در آن شهر چيست؟ فرمود: دست هاى پيمان شكنان. )16

حضرت محمد(ص) مى فرمايد: (هر كس با امامى بى وفايى كرده و عهد شكنى نمايد, روز قيامت آويخته لب وارد محشر مى شود تا داخل آتش دوزخ گردد. )17

هشام بن سالم گويد: از حضرت صادق(ع) شنيدم كه مى فرمود: (وعده مؤمن به برادر دينى خود نذرى است كه كفاره ندارد, پس هر كه به آن وفا نكند, به مخالفتِ وعده با خدا برخاسته و خود را در غضب او انداخته است. اين است گفتار خداى تعالى كه مى فرمايد: اى كسانى كه ايمان آورده ايد, چرا سخنانى مى گوييد كه به كارشان نمى بنديد؟ خداوند سخت به خشم مى آيد كه چيزى بگوييد و به جاى نياوريد. )18

عوامل پيمان شكنى

الف) بى ايمانى: يكى از عواملى كه مى تواند باعث پيمان شكنى شود, نداشتن ايمان است. كسى كه ايمان ندارد, به تعهداتش به خدا وفا نمى كند و در نتيجه به ديگر تعهدات خود در قبال خلق نيز توجه نكرده و پيوسته عهد شكنى مى كند.

ب) ترس: گاهى ترس عامل پيمان شكنى است. اگر انسان ترسو در مضيقه قرار گيرد و احساس كند جان يا مالش در خطر است, ديگر عهد براى او اهميت ندارد; بنابر اين به پيمان خود پشت پا مى زند.

ج) سود جويى: كسى كه فقط به فكر منافع خودش است و غير از ماديات هيچ فكرى ندارد, پيوسته سعى مى كند از هر راهى به منافع خويش دست يابد, حتى اگر از طريق شكستن عهد و پيمان باشد.

د) دروغ گويى: دروغ گويى نيز مى تواند يكى از عوامل پيمان شكنى باشد. اگر از ابتدا پيمانى دروغين بين دو طرف بسته شده باشد, ممكن است از طرف يك شخص ناديده گرفته شود.

عوامل ديگرى نيز در پيمان شكنى دخالت دارند كه براى پرهيز از طولانى تر شدن مقاله از ذكر آنها خوددارى مى كنيم.

پى نوشت ها:

1ـ فرهنگ فارسى عميد, واژه عهد.

2ـ همان, واژه پيمان.

3ـ اسلام صلح جهانى, ص 264.

4ـ همان.

5ـ بقره(2) آيه 100.

6ـ آل عمران(3) آيه 76.

7ـ رعد(13) آيه 20.

8ـ مستدرك الوسائل, ج 2, ص 626.

9ـ وسائل الشيعه, ج 3, ص 232.

10ـ تصنيف غرر الحكم و درر الكلم, حديث 9562.

11ـ محمد تقى فلسفى, كودك, ج 2, ص 17-18, با اندكى تغيير.

12ـ نهج البلاغه, نامه 53.

13ـ همان.

14ـ آشنايى با قرآن, ج 3, ص 146-147.

15ـ فيض كاشانى, تفسير صافى (چاپ قديم, تهران) ص 54.

16ـ بحار الانوار, ج 67, ص 186.

17ـ وسائل الشيعه, ج 6, ص 52

18ـ اصول كافى, ج 4, ص 68.